

The Semantics of the Word "Peace" in the Holy Qur'an Based on the Relations of Cohabitation and Succession

Fateme Ganji*, **Mohammad Jafari Harandi****

Seyedeh Fateme Hossaini Mirsafi***

Abstract

Therefore, investigating the word peace in the field of semantics and conceptual typology of peace and its derivatives is very important. In other words, investigating the meaning of Quranic words with the help of other sciences (interdisciplinary research) is an opportunity to further explore the content of divine knowledge. Based on this necessity, the main question of the research is that peace in the Holy Qur'an has a semantic substitution with which words and with which words does it coexist? In this research, with the benefit of two methods of content analysis and linguistic semantics, the concept of peace from the perspective of the Holy Quran and in other words "Quranic peace" was investigated and it was found that the word peace in the Holy Quran is not only in semantic contrast with war. Rather, it has a meaningful application in the meanings of restoring social and family relations (reformation), removing corruption, avoiding going astray, being worthy of action and not opposing God and His

* Doctoral student of Faculty of Humanities, Department of Quranic and Hadith Sciences, Imam Khomeini (RA) Shahrari Memorial Unit, Islamic Azad University, Tehran, ganjifateme@gmail.com

** Associate Professor, Faculty of Humanities, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Imam Khomeini (RA) Shahrari Memorial Unit, Islamic Azad University, Tehran, (Corresponding Author) harandi_lawyer@yahoo.com

*** Professor Yardan, Faculty of Humanities, Department of Quranic and Hadith Sciences, Imam Khomeini (RA) Shahrari Memorial Unit, Islamic Azad University, Tehran, mirsafi@yahoo.com

Date received: 04/06/2022, Date of acceptance: 10/08/2022



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

messengers. The meaning of sitting together; And with the words salam, security, good and good, it has a semantic relation of substitution.

Keywords: semantic, relations of cohabitation, relation of substitution, Quranic peace, Quranic reformation.

معناشناسی واژه «صلح» در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم‌نشینی و جانشینی

فاطمه گنجی*

محمد جعفری هرندی**، سیده فاطمه حسینی میرصفی***

چکیده

واژه صلح یکی از مفاهیم بنیادین در قرآن کریم به شمار می‌رود. لذا بررسی واژه ی صلح در دامنه ی علم معنا شناسی و گونه شناسی مفهومی صلح و مشتقات آن، اهمیت بسیاری دارد. به عبارتی دیگر، بررسی معنای واژگان قرآنی با کمک علوم دیگر (بررسی میان رشته ای) فرصتی برای کنکاش بیشتر محتوای معارف الهی است. بر اساس همین ضرورت سوال اصلی پژوهش این است که صلح در قرآن کریم با چه واژگانی جانشینی معنایی و با کدام کلمات هم‌نشینی دارد؟ در این تحقیق با بهره مندی از دو روش تحلیل محتوا و معناشناسی زبانی، مفهوم صلح از دیدگاه قرآن کریم و به عبارت دیگر «صلح قرآنی» مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد واژه ی صلح در قرآن کریم تنها در تقابل معنایی با جنگ قرار ندارد بلکه در معانی ترمیم روابط اجتماعی و خانوادگی (اصلاح)، رفع فساد، دوری از گمراهی، شایسته‌بودن

* دانشجوی دکتری، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ganjifateme@gmail.com

** دانشیار، دانشکده علوم انسانی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران (نویسنده مسئول)، harandi_lawyer@yahoo.com

*** استادیار، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، mirsafi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹



عمل و عدم مخالفت با خدا و فرستادگان او نیز کاربرد معنایی دارد. و با مفاهیم: ایمان، عمل، تقوی، جنت و توبه، دارای رابطه معنایی هم نشینی؛ و با واژه های سلم، امنیت، خیر و حسن دارای رابطه ی معنایی جانشینی است.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی، روابط هم نشینی، روابط جانشینی، صلح قرآنی و اصلاح قرآنی.

۱. مقدمه و طرح مسئله

شناخت علمی معانی واژگان قرآن کریم و چگونگی ارتباط آنها با واژه های دیگر از مهمترین ضرورت های نظام معرفتی اسلام به شمار می رود و دانش معناشناسی این رسالت را برعهده دارد معنا شناسی به مطالعه علمی و تحلیل معانی واژه‌ها با توجه به نظام معنایی آنها می پردازد. زیرا از طریق شبکه معنایی با بررسی واژگان در سیاق آیات می توان به مقاصد دقیق آنها دست یافت. از مهم ترین مولفه های علم معناشناسی مطالعه روابط هم نشینی و جانشینی است؛ و هدف از این پژوهش تبیین معناشناسه واژه «صلح» در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم نشینی و جانشینی است بنابراین سوال اصلی تحقیق این است که: در نظام معنایی قرآن کریم واژه «صلح» به چه معانی به کار رفته و با چه کلماتی هم نشین و جانشین شده است؟ برای جواب به این سوال با روش تحلیل محتوا و معناشناسی زبانی سعی خواهد شد واژگان هم نشین و جانشین واژه صلح در قرآن کریم مشخص شود، همچنین در ترجمه آیات به فارسی تلاش می شود از روان ترین ترجمه ها بهره گرفته شود لذا ترجمه عالمانه آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی به لحاظ به روز بودن مبنای کار خواهد بود.

۲. پیشینه پژوهش

در حوزه معناشناسی آثار متعددی نگاشته شده ولی به کارگیری این روش در پژوهش های قرآنی سابقه چندانی ندارد و می توان تألیفات توشی هیکو ایزوتسو (Toshihiko Izutsu) پژوهشگر ژاپنی را اولین آثار در این باره با نگاه معناشناسانه اصطلاحی امروزین به شمار آورد همچنین پیرامون موضوع صلح آثار گوناگونی نگارش شده است که در بیشتر این آثار، موضوع تقابل جنگ و صلح و بُعد سیاسی آن در روابط بین مسلمانان و مشرکان و دیگر ادیان مورد بررسی قرار گرفته است. چرا که صلح در پژوهش های اجتماعی و سیاسی، معمولاً در مقابل جنگ به کار رفته است، اما باید توجه داشت در جهان بینی

قرآن کریم شمول معنایی آن دامنه‌ی وسیع تری را در بر می‌گیرد. این در حالی است که در آثار پیشین معمولاً چنین رویکردی کمتر دیده می‌شود. و با توجه به جستجوهای که درباره پیشینه این موضوع در منابع صورت گرفت، مشاهده شد که در هیچ کدام از کتاب‌های معناشناسی واژه صلح به صورت مستقل مورد بحث و تحلیل قرار نگرفته است، با این حال برخی از آثاری که می‌توانند مرتبط با معناشناسی صلح باشند عبارتند از:

- مقاله مفهوم شناسی واژه «صلح» در قرآن کریم و تأثیر آن بر جواز عقد «صلح ابتدائی» نوشته حمیدرضا بصیری، فصلنامه سراج منیر سال دهم زمستان ۱۳۹۸ شماره ۳۷. نویسنده در این مقاله بر این باور است چنانچه با روش معناشناسانه واژه «صلح» مورد مطالعه واقع شود، جواز یک عمل حقوقی دو طرفه (صلح ابتدائی) را به‌ارمغان می‌آورد و گره گشای بسیاری از تعاملات مدنی میان مردم خواهد بود.
- مقاله مفهوم شناسی جنگ و صلح از نگاه اسلام نوشته محمد اسماعیل مجلسی و فاطمه زینلی پور منتشر شده در مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی صلح پژوهی سال ۱۳۷۹. نویسنده این مقاله معتقد است رسالت همیشگی اسلام صلح بین‌المللی و جهان شمول است، و پذیرفتن صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز هیچ تضادی با موضوعاتی از قبیل نپذیرفتن ولایت کافران، مبارزه فرهنگی با آنان و لزوم آمادگی نظامی و دفاعی در برابر تهاجمات آنان ندارد.
- مقاله مفهوم شناسی صلح جهانی از منظر قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی نوشته نیکو دیالمه و زهرا نورانی، منتشر شده در مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی صلح پژوهی سال ۱۳۷۹. نویسنده مقاله بر این باور است صلح در دیدگاه جامع قرآن کریم، بسیار فراتر از آن چیزی است که در اندیشه معاصر مطرح می‌شود. و حرکت نظام هستی مطابق با سنت الهی یک حرکتی اصلاحی است و حقیقت صلح، هماهنگی بشر با این حرکت در جهت غایت خلقت است. بنابراین تحقق صلح جهانی بدون اصلاح در روابط بشری امکان‌پذیر نیست. گستره این اصلاح از طرفی همه ابعاد فردی و اجتماعی آدمیان را در بر می‌گیرد و از طرف دیگر مستلزم اصلاح در تمامی ساحت‌های وجودی انسان؛ یعنی ساحت شناختی، عاطفی و رفتاری است.

هم‌چنین کتاب‌های زیر در پیشینه پژوهش قابل ذکرند.

- کتاب زندگی در صلح از دیدگاه قرآن نوشته نفیسه فقیهی منتشر شده توسط پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع) قم سال ۱۳۹۱.
- کتاب درآمدی تحلیلی بر جایگاه صلح و جنگ در قرآن و سیره نبوی «صلی الله علیه و آله» نوشته امیر ذوقی منتشر شده توسط دانشگاه امام صادق (ع) سال ۱۳۸۸.
- کتاب جنگ و صلح در اسلام: نقد و بررسی نظر فقهای شیعه در آیین قرآن و سنت نوشته عبدالمجید سودمندی منتشر شده توسط نشر کویر سال ۱۳۹۳.

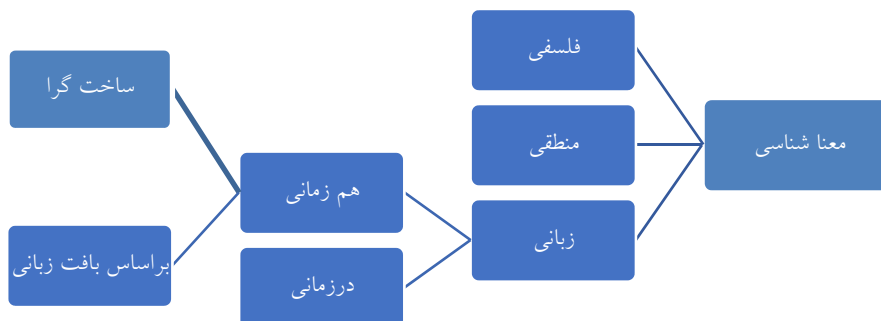
این کتاب‌ها در ابتدای مباحث نظری خود به معنانشناسی صلح از دیدگاه قرآن کریم اشارات خوبی داشته اند.

۳. تعریف مفاهیم

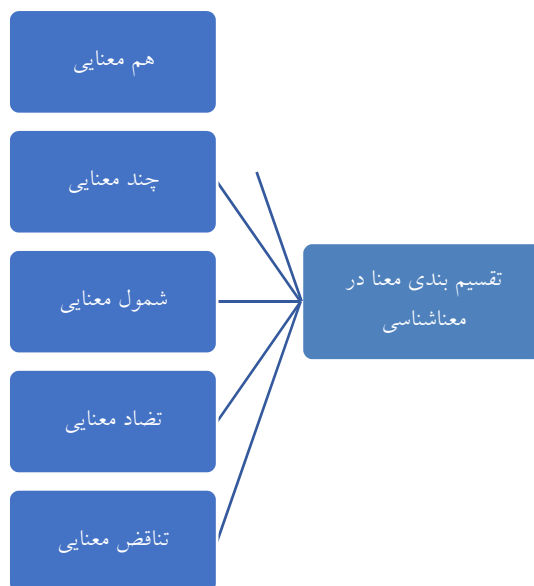
۱.۳ معنانشناسی

معنانشناسی (Semantics) یا علم الدلاله به تحقیق و مطالعه علمی معنا گفته می شود (پالمر، ۱۳۹۱: ۳). و به عبارت دیگر معنانشناسی علم تحقیق و بررسی کلمات کلیدی هر زبان به منظور درک جهان بینی قومی که با آن زبان سخن می گویند، می باشد. (ایزوتسو، ۱۳۹۲: ۴). از جمله شیوه های معنانشناسی، مطالعه سیاق یا همان پیوستگی بین اجزای یک متن است؛ چرا که دست یابی به مفهوم دقیق هر کلمه نیازمند در نظر گرفتن نظام کل معانی و ارتباط آنها با یکدیگر است. و شناخت کامل هر متن به کشف این روابط درون متنی مثل هم نشینی واژگان در کنار یکدیگر و جانمایی ارتباط دارد که مجموع این امور موجب انسجام متن و رساندن معنای مورد نظر متکلم می شود. (طیبی و رضانی، ۱۳۹۵: ۲) در علم معنانشناسی «معنانشناسان در پی کشف سازوکارهای نهفته در کلام دارای روابط میان دال و مدلول و تجزیه و تحلیل آن بر اساس یک روش تحقیق علمی هستند» (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶: ۲۴). بنابراین همان گونه که علم اصول ضابطه استدلال های فقهی میباشد، معنانشناسی نیز ضابطه زبان شناسی است و با استناد و به کارگیری آن می توان در فهم معانی کلمه ها و ترکیب های یک متن از خطا جلوگیری کرد. معنانشناسی در مطالعات قرآنی پژوهشگر را در دریافت معانی موجود در متن آیات با توجه به قرار گرفتن در میان مفاهیمی که آن ها نیز بار معنایی منحصر به خود را دارند، یاری می کند و کار کشف ساز و کارهای معنا را با مطالعه ی علمی صورت می دهد. (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۱) معنانشناسی را می توان آن را به سه شاخه عمده

تقسیم کرد: معناشناسی فلسفی، معناشناسی منطقی و معناشناسی زبانی. که در اینجا معناشناسی زبانی مورد نظر می باشد و بخشی از دانش زبان شناسی به شمار می آید و معنای واژه ها، جمله ها و متن ها را تحلیل می کند معنا شناسی زبانی بر اساس دو رویکرد هم زمانی (Synchronic) و در زمانی (Diachronic) تقسیم می شود که بررسی های ما در این مقاله بر اساس معناشناسی همزمانی است. در این نوع از معناشناسی، تفاوت ها و تمایزهای میان معانی، در یک مقطع زمانی مشخص، مورد مطالعه قرار می گیرند رویکرد معناشناسی همزمانی نیز خود دارای دو روش متمایز «معناشناسی ساختگرا» و «معناشناسی براساس بافت زبانی» است. معناشناسی ساخت گرا (Structural Semantics) بر پایه اصول زبان شناسی ساخت گرایانه و در چارچوب روابط معنایی (Semantic Relation) به مطالعه و توصیف معنا می پردازد. همچنین در معناشناسی، هم روابط مفهومی، و هم روابط مصداقی بررسی می شوند و در تقسیم بندی معنا، انواعی از روابط معنایی شامل هم معنایی، چندمعنایی، تناقض معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی وجود دارد. (شفیع زاده و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۰۱).

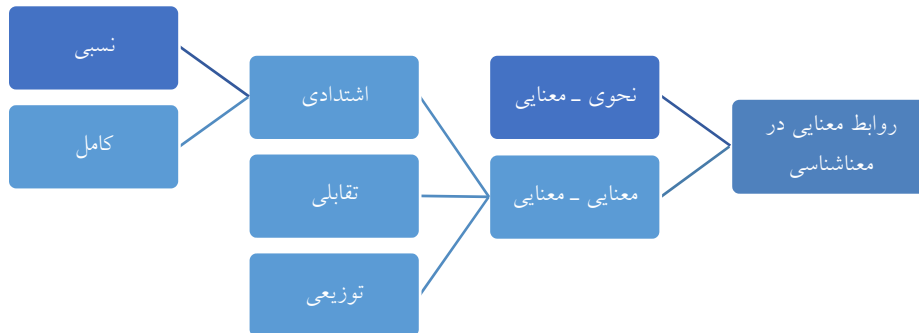


نمودار ۱. انواع معناشناسی



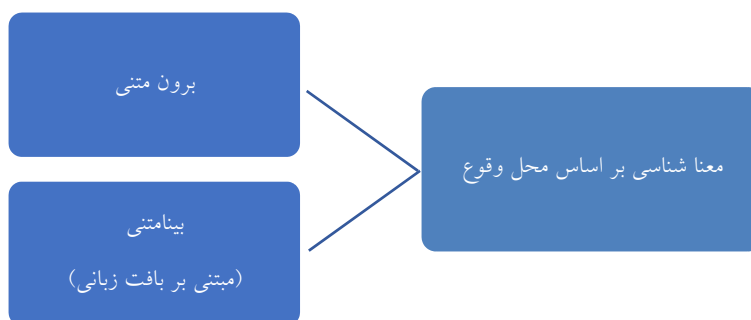
نمودار ۲. تقسیم بندی معنا در دانش معناشناسی

در مواجهه با کلمات قرآن کریم، روابط معنایی را می توان به دو دسته رابطه نحوی - معنایی یا مکملی و رابطه معنایی - معنایی که دو به دو با یکدیگر هم نشین شده اند، تقسیم کرد. رابطه معنایی - معنایی نیز خود به سه نوع تقابلی، اشتدادی و توزیعی، تقسیم می شود؛ بنابراین روابط بین واژگان قرآنی بر چهار نوع «مکملی»، «اشتدادی»، «تقابلی» و «توزیعی» است. رابطه مکملی» بین دو واژه، بر اساس ساختار نحوی است، مانند ارتباطی که بین فعل و دیگر اعضای جمله فعلیه از قبیل «مبتدا و خبر»، «مضاف و مضاف الیه و... وجود دارد. «رابطه اشتدادی» (هم معنایی، شمول معنایی)، بین دو مفهوم با مؤلفه معنایی مشترک که یکدیگر را تأیید و تقویت می کنند، وجود دارد. البته هم پوشی این دو معنا، گاه نسبی مانند (طغیان - کفر) و گاه کامل (جبت - طاغوت) است. «رابطه تقابلی» یا «تضاد» بین دو مفهومی است که مؤلفه معنایی مشترک دارند ولی یکدیگر را نقض کرده و در مقام تضعیف و نفی یکدیگر هستند و از این رو در عین اتحاد در کلیت معنا، از جهات دیگری با یکدیگر افتراق دارند مانند مفاهیم «نور و ظلمت» یا «سرد و گرم» که زوج های با تقابل معنایی هستند. (شفیع زاده و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۰۲).



نمودار ۳. روابط معنایی در واژگان قرآنی

از سوی دیگر، به باور برخی زبان شناسان ، معنای یک واژه را میتوان براساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی (Linguistic context) تعیین کرد. معناشناسی مبتنی بر بافت زبانی، معنا را بر حسب روابط بینامتنی میان واحدهای زبان مورد بررسی قرار میدهد. مقصود از روابط بینامتنی روابطی شامل بافت یا سیاق که از ارتباط یک واژه با سایر واژه ها پدید می آید و در سطح جمله و متن قابل بررسی است. (همان، ۱۰۳).



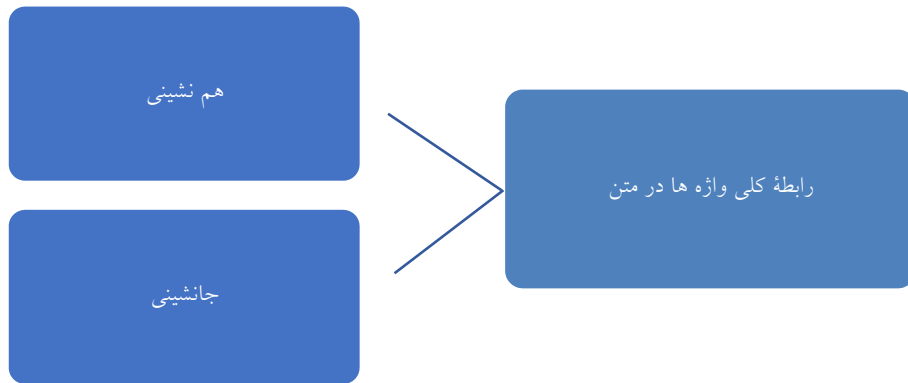
نمودار ۴. معنا شناسی بر اساس محیط وقوع واژه

۲.۳ رابطه هم‌نشینی و جانشینی

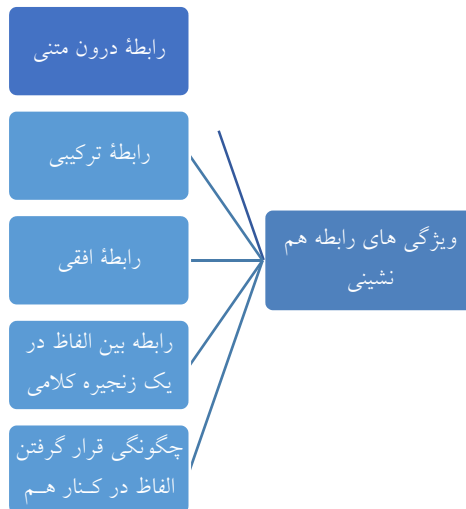
پژوهشگران علم زبان شناسی از جمله زبان شناس مشهور سوئیسی فریدناند دو سوسور بر این باورند که:

معنا در دو گونه رابطه کلی بررسی می‌گردد: رابطه هم‌نشینی که روابط درون متنی یعنی چگونگی قرار گرفتن عناصر در کنار هم و فرایند انتقال معنا را بررسی می‌کند و رابطه جانشینی که بر اساس آن روابط بینامتنی یعنی چگونگی جایگزینی واژگان به جای هم و علت انتخاب واژه ذکر شده و در متن به جای واژگان احتمالی بررسی می‌شود (صفوی، ۱۳۸۷: ۲۴۷).

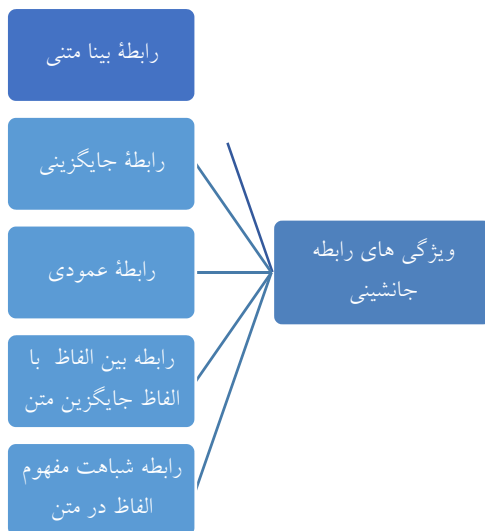
به عبارت دیگر رابطه هم‌نشینی یعنی: «تشخیص معنای واژه از طریق معنی واژه‌های هم‌نشین و کنار آن، زیرا واژه‌ها در هم‌نشینی میتوانند معانی خاص به خود بگیرند» (پالمر، ۱۳۹۱: ۱۶۱). لذا کلماتی که در یک فراز یا آیه قرآن به کار رفته‌اند، می‌توانند با هم‌دیگر رابطه ای هماهنگ داشته باشند به گونه‌ای که اگر الفاظ درون یک آیه را به عنوان یک محور افقی در نظر بگیریم از ارجاع بخشی به بخش دیگر در همان آیه می‌توان معنای واژه را استخراج کرد، به این روش رابطه هم‌نشینی گفته می‌شود. همچنین در تعریف روشن‌تر رابطه جانشینی باید گفت در این رابطه دسته‌بندی بر اساس شباهت موجود میان مفهوم‌ها و مدلول‌های واژه‌های جایگزین هم، صورت می‌گیرد (رکعی و نصرتی، ۱۳۹۶: ۱۳۰). در واقع رابطه میان واژه‌ها در آیات دو گونه افقی و عمودی تقسیم می‌شود: اگر به ارتباط الفاظ در محور افقی بنگریم، معنایی که از واژه به دست می‌آید به وسیله توصیف بافتی، متنی یا هم‌نشینی است؛ اما اگر نسبت کلمات را در محور عمودی بنگریم، معنا یا معانی دیگری از راه جانشینی برای کلمه به دست می‌آید (شریفی، ۱۳۹۴: ۱۹۹)؛ بنابراین «رابطه هم‌نشینی» بر اساس کلماتی که در جوار یک کلمه قرار گرفته‌اند شناخته می‌شود و «رابطه جانشینی» بر اساس شباهت موجود میان مفهوم‌ها و مدلول‌های واژه‌ها در کل متن صورت می‌گیرد. همچنین رابطه هم‌نشینی رابطه ای از نوع ترکیب، میان الفاظی است که در یک زنجیره کلامی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و رابطه جانشینی، رابطه ای از نوع انتخاب و جایگزینی، میان هر یک از الفاظ یک زنجیره کلامی با الفاظی است که می‌توانند جایگزین آن‌ها شوند.



نمودار ۵. دو گونه رابطه کلی واژه ها در متن



نمودار ۶. ویژگی های رابطه هم نشینی



نمودار ۷. ویژگی‌های رابطه جانشینی

جدول ۱. مقایسه ویژگی‌های رابطه هم نشینی و جانشینی

رابطه جانشینی	رابطه هم نشینی	ردیف
بینا متنی	درون متنی	۱
انتخاب و جایگزینی	ترکیبی	۲
عمودی	افقی	۳
رابطه میان الفاظ با الفاظ جایگزین در متن	رابطه الفاظ قرار گرفته در یک زنجیره کلامی	۴
محوریت شباهت مفهوم الفاظ با یکدیگر در کل متن	محوریت قرار گرفتن الفاظ در کنار یکدیگر	۵

۳.۳ صلح

واژه‌ی صلح از ماده‌ی (ص ل ح) می‌باشد. اهل لغت درباره‌ی معنا و مفهوم این واژه، نظرات مختلفی را بیان کرده‌اند. برخی صلح را به معنای رفع فساد و بی‌نظمی و بی‌اعتدالی می‌دانند. و اصلاح را نقیض افساد دانسته‌اند که به معنای تعمیر، ترمیم و بازگشت به مسیر صحیح، و جبران هرآنچه که از بین رفته است می‌باشد. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۱۷؛ قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۴، ص ۱۴۵) برخی لغویان نیز به معنای اجتماعی این واژه اشاره داشته‌اند که در این دیدگاه منظور از واژه‌ی صلح، آشتی و برقراری دوستی بین دو نفر یا دو گروه و قوم و

طایفه می باشد و نوعی سازش بین کسانی است که در روابط خود دچار مشکل شده‌اند. (قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۴، ص ۱۴۵)

صلح و مشتقات آن در قرآن کریم ۱۸۰ بار در ۵۴ سوره و در ضمن ۱۷۰ آیه به کار رفته است. که از این تعداد ۳۱ بار به صورت فعل های مضارع و ماضی و امر، ۹ بار به شکل مصدری و در ۱۴۰ بار به شکل اسم فاعل (صالح صالحات صالحون صالحین مُصلِح مُصلِحون) آمده است. اسم فاعل الصالحات با تکرار ۵۹ بار در ضمن ۳۶ آیه و اسم فاعل صالحاً با ۳۶ بار تکرار در ضمن ۲۴ آیه و سپس اسم فاعل الصالحین با ۲۱ بار تکرار در ضمن ۱۶ آیه، بیشترین دامنه ی تکرار را به خود اختصاص داده اند.

در بررسی کاربرد های قرآنی واژه ی صلح، با چندین برداشت معنایی مواجه هستیم. گاه مراد از واژه ی صلح در قرآن، همان معنای لغوی آن است. صلح ضد فساد و فعل صلح درمقابل فعل فَسَدَ به کار رفته است: *وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا* (اعراف: ۵۶) در برخی از آیات، مراد از واژه ی صلح، از بین بردن نفرت بین مردم و ایجاد دوستی و آشتی بین ایشان و به عبارت دیگر مصالحه خانوادگی و اجتماعی است نظیر فراز: *أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ* (نساء: ۱۲۸) و گاهی مراد از واژه ی صلح در قرآن، اصلاحی است که به خداوند نسبت داده می شود. اصلاح خداوند نسبت به انسان یکبار درباره ی خلقت انسان و *أَصْلَحَ بَالَهُمْ* (محمد: ۲)، و با از بین بردن فساد از کارهای انسان *يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ* (احزاب: ۷۱) و یا حکم به اصلاح شدن امری درباره ی انسان از سوی خداوند. *وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي* (احقاف: ۱۵) می باشد. همچنین مشتقات واژه ی (ص ل ح) به عنوان اسم برای انبیاء الهی نیز به کار رفته است نظیر: *يَا صَالِحُ* (هود: ۶۲) (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۱۷) واژه صلح در کاربرد های قرآنی در معانی اسمی، فعلی و وصفی به کار رفته است. در کاربرد اسمی به معنای مصالحه، مسالمت و سازش: *وَالصُّلْحُ خَيْرٌ* (نساء: ۱۲۸) و در کاربرد وصفی برای توصیف عمل ارزشمند: *وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ* (فاطر: ۱۰) و در معنای فعلی به معنای ایجاد الفت و سازش و برقراری دوستی آمده است: *فَأَصْلِحْ بَيْنَهُمْ* (بقره: ۱۸۲) بنابراین می توان معنای صلح در قرآن را به طور کلی گاهی در معنا تکوینی و گاهی در معنای تشریحی در نظر گرفت. در معنای تکوینی مربوط است به اصلاحی است که خداوند انجام می دهد و در معنای تشریحی متعلق به اصلاحی و صلحی است که با دستورات دین الهی توسط بشر صورت می گیرد.

۴. واژه صلح در رابطه هم‌نشینی

در بررسی رابطه هم‌نشینی واژه ی صلح در قرآن باید گفت برخی از واژگان به کار رفته در کنار واژه صلح شمول معنای اشتدادی با این واژه را دارند لذا در توضیح بیشتر مفهوم صلح نقش بسزایی دارند و برخی دیگر با فراوانی کاربرد، به عنوان یکی از شرط های اساسی در تکمیل مفهوم صلح به شمار می روند. در بررسی واژگان هم نشین اشتدادی و تکمیلی با واژه صلح و مشتقات آن، این نتیجه به دست آمد که به ترتیب: واژگان عَمَل و مشتقاتش ۸۸ بار، اَمَن و مشتقاتش ۷۷ بار، جنت در حالت مفرد و جمع ۲۵ بار، توبه و انابه در حالت فعلی و اسمی ۱۶ بار و تَقَى و مشتقاتش ۵ بار، با واژه صلح و مشتقات صلح هم نشین شده اند. و در رابطه تقابلی نیز، فَسَدَ و مشتقاتش ۸ بار با واژه صلح همراه بوده اند. که در اینجا به جهت رعایت اختصار به رابطه تقابلی پرداخته نمی شود.

در ۵۸ آیه از آیاتی که واژه ی صلح و مشتقات آن در آنها به کار رفته، به بشارت های الهی درباره ی نعمت های دنیایی و اخروی اشاره و یا تصریح شده است. لذا مصدر صلح با دو مصدر ایمان و عمل، هم نشینی خاصی دارد لذا به دلیل فراوانی و تکرار این هم نشینی، به بررسی دقیق تر رابطه ی معناشناسی صلح با ایمان و عمل پرداخته می شود.

۱.۴ اَمَن و مشتقات آن در هم‌نشینی با واژه صلح

اَمَن در فعل ثلاثی مجرد به معنای عدم ترس و خوف است و نوعی طمأنینه نفس را معنا می دهد و در فعل ثلاثی مزید در حالت تعدی به باء و لام، به معنای تصدیق و اعتقاد قلبی به کسی یا چیزی می باشد و در صورت متعدی شدن، به ذات خود معنای اطمینان پیدا کردن را می دهد که در برابر ترسیدن و هراسان کردن است و در این حالت متعدی آن با ثلاثی مجرد آن هم معنا است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۸۹). در معنای اصطلاحی اَمَن و اَمَّنُوا در خطاب به فرد مسلمان و جامعه مسلمین به معنای ثبوت و دوام ایمان در قلب آنها می باشد (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۶، ص ۲۰۳)

ریشه اَمَن و مشتقات آن در حدود ۷۷ بار با واژه صلح هم نشین شده است. شکل های اسمی و فعلی این ریشه در کنار واژه ی صلح عبارتند از: اَمَّنُوا-اَمِنَ-يُؤْمِنُ-يُؤْمِنُونَ-مُؤْمِنِينَ-تُؤْمِنُ و مُؤْمِنًا. در آیه ی ۲۵ سوره ی بقره، خداوند به افرادی که مومن هستند و عمل صالح انجام می دهند بشارت به نعمتها ی اخروی در بهشت می دهد و این آیه به دلیل عطف ایمان و

عمل صالح گویای حضور این دو عامل در رسیدن به سعادت است که خداوند در ادامه آیه ی آن را توصیف می کند: وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ. مراد از صالحات، همه ی اعمال صحیح مربوط به دین، متناسب با ویژگی های فرد مومن در انجام واجبات تکلیفی است (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۹۹) و مراد از ایمان نیز در این آیه ی شریفه تصدیق نمودن خداوند می باشد (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۶۲؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۸) و به تعبیر دیگر مسلمان شدن به اسلام کامل است. (فیضی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۷۷) و مومنان کسانی هستند که به توفیق الهی به توحید و نبوت گرویدند و به آن تا زمان مرگ ثابت و راسخ باقی ماندند. (کاشانی، ۱۳۷۳ق، ج ۱، ص ۲۹) بنابراین آیه ی شریفه، مراد از ایمان، باور و تصدیقی است که مجموع دستورات دین باشد و فرد مومن تا لحظه مرگ نیز دست از اعتقاد خود بر نمی دارد. این ایمان برآیندی دارد که خود را در عمل و کردار فرد مومن می بایست نشان دهد. بر همین اساس کنار هم قرار گرفتن ایمان و عمل صالح نشان دهنده ی آن است که ابتدا باید باور و تصدیق قلبی وجود داشته باشد و سپس در عمل و کردار مومن متجلی شود و هر عملی را شامل نمی شود بلکه این تجلی به شکل اعمال صالح و مثبت و سازنده خواهند بود. لذا صالح از ماده صلح به عنوان صفت عمل، در هم نشینی با ایمان، شبکه ی معنایی ویژه ای را تشکیل می دهد و مرتبه ای والا از درجات ایمان را توصیف می کند که به کردار و اعمال مومن ارتباط دارد. از طرف دیگر ملاک تشخیص مومن از منافق به دلیل عدم دسترسی انسانی به نیت انسان دیگر، تنها از روی اعمال و کردار و بررسی رفتار های او می تواند صورت بگیرد. در آیه ۷۵ سوره طه خداوند به ظهور ایمان و تجلی آن در رفتار مومن اشاره فرموده است: وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى. (وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا) یعنی به ذات خداوند و کمال صفات الهی و افعال خداوند یقین داشته باشد. و این یقین با فراز دیگر حاصل می شود و آن (قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ) است یعنی انسان با انجام دستورات الهی و اجتناب از نواهی مومن خواهد بود. (نخجوانی، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۵۱۸) بنابراین باور قلبی به خدا و غیب و آخرت و ایمان به روز جزا و پاداش، عمل فرد را تحت تاثیر قرار می دهد و ابزاری برای کنترل رفتار و کردار اوست که در سایه ی این اعتقاد، انسان مومن تنها اعمالی را انجام خواهد داد که رضایت خدا و بندگان خدا را به دنبال داشته باشد.

۲.۴ عَمَل و مشتقات آن در هم‌نشینی با واژه صلح

عَمَل در لغت به معنای هر نوع فعل و کاری است که با قصد و نیتی از انسان صورت بگیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۸۷). برخی از لغت‌شناسان، عقیده دارند که آنچه که از فعل در خارج ظاهر می‌شود را عمل گویند و به عبارت دیگر تحقق حالات باطنی با قصد و اختیار در خارج عمل شمرده می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۸، ص ۲۲۵). و بعضی دیگر مراد از عمل را خدمت کردن و انجام کار و حرفه بیان داشته‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱ ص ۴۷۵). بنابراین عمل یعنی کار. چه کار خوب باشد یا بد. لذا خوب و بد بودن عمل، با کمک قرینه دانسته می‌شود. و عمل، آن چیزی است که از فعل اختیاری حاصل می‌شود. و اختیار نشان دهنده قدرت ارادی است که خداوند به انسان داده است. لذا هر نوع عمل صالح یا طالح (بد)، برای فاعل آن می‌تواند اثری طبیعی (وضعی) و جزایی برزخی و اخروی داشته باشد. از نظر قرآن کریم، تنها عملی که سبب هدایت انسان می‌شود، عمل صالح است. قرآن کریم در ضمن آیه ۹ یونس (ع) می‌فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ**.

واژه ی عمل و مشتقاتش با ماده صلح و مشتقات آن در قرآن کریم حدود ۸۸ بار هم نشین شده است در این هم‌نشینی عمل همراه با صلاح (عمل صالح) مرحله ی اولیه از مراحل کمال و سعادت انسانی شمرده شده که سبب صفا و پاکی و طهارت حواس و اعضای ظاهری می‌شود. و با عمل صالح است که امید لقای پروردگار می‌رود: **فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ** (کهف: ۱۱۰) و باز با عمل صالح انسان در رحمت الهی داخل می‌شود: **فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ** (جاثیه: ۳۰) و با عمل صالح انسان به حیات طیبه نائل می‌شود: **مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً** (نحل: ۹۷) شرط قبولی عمل صالح، خلوص باطنی و اخلاص قلب و تزکیه ی نفس است و آن اشاره دارد به سخن خداوند که فرموده: **وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ**. (کهف: ۱۱۰).

در خصوص هم‌نشینی دو واژه ی عمل و صلح، در ضمن ۸۰ آیه، صلح، مفعول به فعل عمل قرار گرفته است و در ۲ مورد (یونس: ۸۱، احزاب: ۷۱) عمل مفعول به فعل صلح قرار گرفته و در ۶ آیه رابطه ی هم‌نشینی این دو واژه به شکل موصوف و صفت آمده است.

معناشناسی واژه «صلح» در قرآن کریم ... (فاطمه گنجی و دیگران) ۱۲۵

(توبه: ۱۰۲، کهف: ۱۱۰، فرقان: ۷۰، توبه: ۱۲۰، هود: ۴۶، فاطر: ۱۰) که در اینجا به بررسی جداگانه هر کدام پرداخته می شود.

۱.۲.۴ صلح مفعول به عمل

در آیات و فرازهایی که صلح مفعول به برای فعل عمل هست (عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) فعل باید دارای ویژگی هایی باشد تا بتوان عمل را صالح نامید، مهم ترین ویژگی اعمال صالح قرب الهی است لذا اعمال صالح شامل اخلاق و افعالی هستند که سبب تقرب به سوی خداوند می شوند و در جهت عبادت و تعظیم شأن الهی می باشند. (نخجوانی، ۱۹۹۹م، ج ۲، ص ۳۱۸).

۲.۲.۴ عمل مفعول به صلح

در دو آیه از آیات قرآن کریم رابطه ی هم نشینی صلح و عمل، به صورتی است که عمل مفعول به برای صلح قرار گرفته است و در هر دو آیه خداوند فاعل و انجام دهنده ی اصلاح است. در شبکه ی معنایی دو آیه ی ۷۰ و ۷۱ احزاب، (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۷۰) يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا) (احزاب: ۷۰ و ۷۱) وعده خداوند به مومنان است که اگر تقوا پیشه کنند و قول سدید داشته باشند، خداوند اعمال آنها را اصلاح می کند. مراد از اصلاح عمل تزکیه و پاک شدن انسان از رفتار های ناپسند است. (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۵۱۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۸۸) البته برخی از مفسران مراد از اصلاح اعمال توسط خداوند را قبول شدن اعمال خوب قبلی دانسته اند. (سمرقندی، بی تا، ج ۳، ص ۷۷) و برخی دیگر مراد از اصلاح اعمال از سوی خداوند را موفقیت فرد متقی و مومن در انجام اعمال خوب و شایسته برشمرده اند. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۳۸) بنابراین اصلاح عمل می تواند موفقیت در انجام عمل خوب، پاک شدن اعمال از بدی ها و پذیرش اعمال خوب قبلی باشد که به دلیل گناهان پوشیده شده بود. در آیه ی ۸۱ یونس نیز عمل مفعول به صلح قرار گرفته است، (إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ) در این آیه خداوند می فرماید که هیچ گاه عمل اهل فساد را اصلاح نمی کند و طبعاً دلیل آن، عدم رضایت خداوند از اعمال مفسدان می باشد. (سمرقندی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۸) برخی از مفسران، عدم ثبات و دوام عمل مفسدان را نشانه عدم اصلاح عمل آنها از جانب

خداوند دانسته اند به گونه ای که عمل ایشان نابود شده و از بین می رود. (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۱۲۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۶۳) و برخی دیگر مراد از اصلاح عمل را تبدیل ضرر عمل به منفعت دانسته اند و این که گفته می شود صلاح یعنی مستقیم شدن عمل، به همین دلیل است. و از طرف دیگر، فساد یعنی مایل شدن عمل به چیزی است که به جای منفعت، ضرر می رساند و این که گفته می شود اضطراب در عمل، به همین دلیل است. استقامت و اضطراب عمل با صلاح و فساد عمل در ارتباط است. و صلاح همیشه با منفعت در عمل همراه خواهد بود. (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۴۱۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۴۳) بنابراین عمل مفسد قوام ندارد و فاعل آن را به مقصود و کمالی نمی رساند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۷، ص ۲۸۹) و به دلیل عدم اصلاح عمل مفسد از سوی خداوند، عمل او باطل و بی منفعت می باشد و دوام و پایداری و کمالی ندارد و سراسر ضرر برای صاحبش خواهد بود.

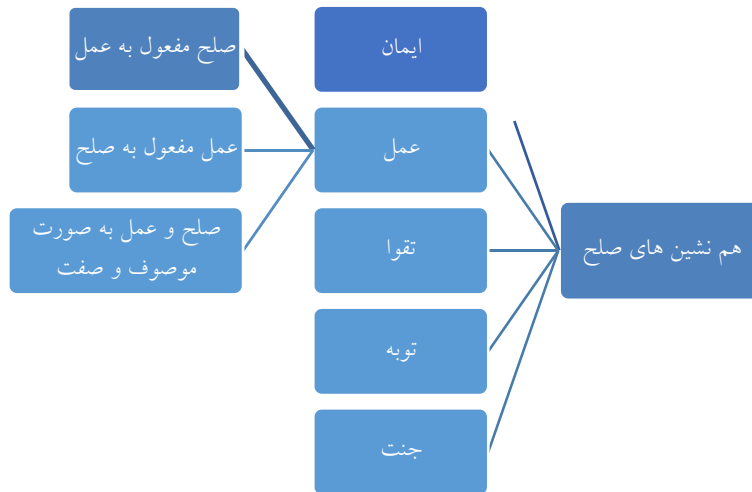
۳.۲.۴ صلح و عمل، موصوف و صفت یکدیگر

در بررسی رابطه ی هم نشینی صلح و عمل، در ۶ مورد این دو واژه در نقش موصوف و صفت قرار گرفته اند. از جمله آیه شریفه: *فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا* (کهف: ۱۱۰) که صالح وصف عمل قرار گرفته شده است مفسران شیعه بر این باورند که مصداق عمل صالح علاوه بر انجام کارهای نیک که با نیت جلب رضایت خدا و تزکیه نفس صورت می گیرد معرفت به ائمه (ع) نیز می باشد و چه بسا شناخت ولی خدا بر روی زمین اعم از نبی و امام بعد از او و پایبندی به دستورات آنها حد اعلای عمل صالح یک انسان دیندار و مسلمان به شمار می رود. (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۳۵۳)، برخی دیگر از مفسران عمل صالح را عمل خالص از ریا و تزویر می دانند. (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۲۰۴؛ سور آبادی، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۱۴۵۹؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۲۳) و برخی دیگر آن را طاعتی می دانند که سبب قرب الهی شود. (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۱۰۱) بنابراین در صالح بودن عمل شرط نیت قرب الهی، دوری از ریا و شرک و اراده تزکیه و طاعت الهی لحاظ شده است.

در مفهوم مخالف هم نشینی این واژه به صورت موصوف و صفت، تنها به یک آیه می توان اشاره نمود: *(إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ)* (هود: ۴۶). منظور از عمل غیر صالح، اشاره به فرزند ناخلف حضرت نوح (ع) است. بنا بر نظر مفسران، مراد از عمل غیر صالح، عملی است که مشرکان به آن عمل می کنند، و مومنان از این گونه اعمال اجتناب می کنند. (سمرقندی، بی تا، ج ۲،

معناشناسی واژه «صلح» در قرآن کریم ... (فاطمه گنجی و دیگران) ۱۲۷

ص ۱۵۴) برخی از مفسران تعبیر عمل غیر صالح در مورد فرزند نوح (ع) را یا به دلیل تعلیلی بودن عبارت دانسته اند یعنی این که او به دین تو نیست و یا مراد از آن را نفی فرزندی وی نسبت به حضرت نوح (ع) قلمداد کرده اند که بسیار بعید به نظر می رسد. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۲۷۸) برخی از مفسران نیز مراد از عمل غیر صالح را خروج از دستورات و احکام الهی و کافر شدن نسبت به دین و انجام عمل سوء به گونه ای که با حق در عمل و نیت مخالفت نماید، دانسته اند. و مخالفت و عناد فرزند حضرت نوح (ع) را با پدرش در این موارد می دانند. (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۵، ص ۲۵۴) بنابراین تفسیر هر نوع مخالفت با دین و انجام اعمالی از سر کفر، را می توان تعبیر به عمل غیر صالح نمود.



نمودار ۸ هم نشین های صلح در قرآن کریم (اشاره‌ای)

۵. بررسی رابطه جانشینی صلح با دیگر واژگان

مهم ترین واژگان جانشین صلح در قرآن کریم واژه های سلم، خیر و حسن می باشند که در این بخش به مصادیق آنها پرداخته می شود.

۱.۵ سلم

ریشه «س ل م» مشتقات متعددی نظیر اسلام، تسلیم، مسلم، سلام و... دارد و در قرآن کریم، ۱۴۰ بار از مشتقات آن استفاده شده است، به نظر راغب اصفهانی واژه های: «السَّلَامُ و السَّلْمُ و السَّلْمُ»؛ به معنای صلح می باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۲۱) و «سلم القوم»؛ یعنی آن قوم با هم آشتی و توافق کردند. (مهیار، ص ۵۸) ولی برخی لغویون می گویند «سِلْم» به کسر «سین» به معنای «صلح» بوده، و سلم به فتح «سین» معنایش «تسلیم» و «اطاعت» است. و بعضی دیگر برعکس گفته اند سلم به فتح «سین» معنایش صلح، و به کسر «سین»، معنایش «اسلام» است. (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ش، ج ۳، ص ۱۶۳) سلم از لحاظ فقه اللغه به معنای انقیاد، طاعت، صلح، مسالمت و عدم تعرض به امنیت، آزادی، استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن است و کاربرد قرآنی آن نیز همان معنای لغوی آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۲۶۹). واژه «سلم» در قرآن کریم با فتح یا کسر سین در ۱۰ آیه به کار رفته است که در پنج آیه به معنای صلح آمده که یک بار آن با کسر س و چهار بار آن با فتح س می باشد:

آیه اول (با کسر سین)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره

:۲۰۸)،

این آیه را آیه سلْم نام نهاده اند (الراضی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۵۴) که همراه شش آیه بعدی به عنوان راهکاری برای حفظ وحدت دینی در جامعه انسانی معرفی شده اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۰۱). این آیه تنها نمونه کاربرد این واژه در اعراب «السِّلْم» در قرآن کریم می باشد. آیت الله مکارم شیرازی «سِلْم» را در این آیه صلح و آشتی معنا کرده لذا ترجمه آیه فوق از دیدگاه وی این طور می شود: ای کسانی که ایمان آورده اید همگی در صلح و آشتی درآید! و از گام های شیطان، پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست. از میان واژگان قرآن کریم سلم (بر وزن علم) با مفهوم مصطلح «صلح» مترادف بیشتری دارد لذا می توان گفت گویاترین واژه در قرآن کریم که جانشین و معادل صلح متعارف قرار می گیرد، واژه «سلم» است. (افتخاری و محمدی سیرت، ۱۳۹۲: ۵۳) سلم بیانگر هر دو صلح ایمانی و بیرونی است و همراهی مفهوم سلم در قرآن کریم با مفاهیمی هم چون عدالت، حق، عزت و ایمان تعریفی گسترده از صلح را ارائه می دهد. (همان). از مفهوم آیه فوق

معناشناسی واژه «صلح» در قرآن کریم ... (فاطمه گنجی و دیگران) ۱۲۹

همچنین استفاده می‌شود که صلح و آرامش تنها در پرتو ایمان امکان‌پذیر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۸۲) بر همین اساس این آیه مصداق بارز سفارش به صلح بین مومنان (صلح ایمانی) نیز به شمار می‌رود. (افتخاری و محمدی سیرت، ۱۳۹۲: ۵۳).

آیه دوم

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (انفال: ۶۱).

و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست!

این آیه به آیه صلح یا آیه سلم معروف است. (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۵۵) و چون در قرآن کریم بعد از آیات جهاد آمده، نشان‌دهنده این است که اسلام جنگ را اصل قرار نداده و تا جایی که امکان دارد در پی برقراری صلح است (قرشی بنایی، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۱۶۰). محمدجواد مغنیه در تفسیر الکاشف معتقد است واژه سلم در این آیه به معانی ترک جنگ از راه صلح و آتش‌بس، دادن جزیه و پذیرفتن دین اسلام است. لذا صلح با هر کسی که خواهان صلح باشد واجب است مگر اینکه صلح نوعی فریب و آماده شدن برای حمله و ترور باشد. وی مراد از صلح در این آیه را صلح با همه می‌داند چه در حال جنگ باشند و چه در حال جنگ نباشند. (مغنیه، ۱۳۷۸ش، ج ۳، ص ۷۷).

آیه سوم

... فَإِنْ اعْتَزَلْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا (نساء: ۹۰).

... پس اگر از شما کناره‌گیری کرده و با شما پیکار نمودند، (بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید.

این آیه اثبات می‌کند به انگیزه‌های صلح‌طلبانه و تقاضای آتش‌بس، باید احترام گذاشته شود. چون در اسلام، صلح اصل است و جنگ، تنها در صورت ضرورت مجوز دارد. (قرائتی، ج ۲، ص: ۱۲۸)

آیه چهارم

... فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلْوكُمْ وَيُقَاتِلُوا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ وَيَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ

... (نساء: ۹۱)

... اگر از درگیری با شما کنار نرفتند و پیشنهاد صلح نکردند و دست از شما نکشیدند، آنها را هر جا یافتید اسیر کنید و (یا) به قتل برسانید! ...

این آیه ادامه مبحث آیه قبلی (۹۰ نساء) است که اگر گروهی پیدا شدند که برخلاف گروه یاد شده در آیه قبل تمایل به صلح نداشتند و از درگیری کناره گیری نکردند و از مسلمانان دست برنداشتند و پیشنهاد صلح نداشتند در این صورت جنگ با آنها و اسارت گرفتن و قتل آنها جایز است. (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ذیل آیه).

آیه پنجم

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكُمْ أَعْمَالُكُمْ (محمد: ۳۵)؛

پس هرگز سست نشوید و (دشمنان را) به صلح (ذلت‌بار) دعوت نکنید در حالی که شما برترید، و خداوند با شماست و چیزی از (ثواب) اعمالتان را کم نمی‌کند!

سؤالی که در ذیل این آیه مطرح می‌شود این است که قرآن در یک جا فرمود: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال: ۶۱) اگر دشمن آغوش خود را برای صلح باز کرد، شما نیز بال خود را بگشایید و پیشنهاد صلح را بپذیرید، اما این جا در این آیه می‌فرماید: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ» هرگز سست نشوید و به صلح دعوت نکنید! در اینجا تکلیف چیست و باید به کدام آیه عمل کرد؟ پاسخ این است هر کدام از این دو آیه نظر به یک جنبه صلح دارد، صلح همراه با اقتدار و حفظ مصالح دین و جامعه اسلامی مورد سفارش قرآن است ولی سازش براساس ترس و سستی و رعب زدگی ناپسند است. (قرآنی، ۴: ذیل آیه)

۲.۵ خیر

خیر به معنای خوبی در مقابل شرّ معنا شده است. (دهخدا، بی تا، ج ۷، ص ۵۸۷) و به تعبیر دیگر خیر آن چیزی است که همه در آن رغبت می‌کنند مانند عقل و عدل و کرم و بزرگواری که همه به آن گرایش دارند. (نقیسی، ۱۳۵۵ش، ج ۲ ص ۶۱۵) خیر، واژه ای جامع و فراگیر شامل هر چیز ارزشمند، سودمند، مطلوب و سودرسان است. از این رو، دامنه معنایی آن هم امور دنیوی و هم امور اعتقادی را دربرمی‌گیرد برای خیر دو منشأ بیان شده است، گاه منشأ خیر خداوند است و گاه انسان و اعمال او سبب خیر می‌شود. (ایزوتسو، ۱۳۹۸ش، ص ۲۱۷) خیر یکی از واژگانی است که در ضمن آیات قرآن کریم، جانشین مفهوم صلح شده است که به سه مورد از مهمترین موارد آن اشاره می‌شود.

معناشناسی واژه «صلح» در قرآن کریم ... (فاطمه گنجی و دیگران) ۱۳۱

...وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْبَيْتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ
الْمُصْلِحِ... (بقره: ۲۲۰)

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ... (نساء: ۱۲۸) در این دو آیه اصلاح، صلح و آشتی همان خیر به شمار آمده است. در برخی آیات نیز عدم فساد بر روی زمین بعد از اصلاح، خیر شمرده شده است. چرا که هر کجا صلح و اصلاح باشد، در واقع خیر و منفعتی برای مردم به شمار می رود. و از طرف دیگر کاربرد واژه ی خیر در معنای مخالف شر می باشد و هر کجا که بدی و ظلم و فساد باشد، شر می باشد. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۳۴۵) همان طوری که از آیات قبل مشخص گردید صلح در دامنه ی معنایی خیر است هم چنان که خصومت در دامنه ی معنایی شرور می باشد. (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۳، ص ۱۲۸) آیه بعدی که صلح و اصلاح را همان خیر دانسته است این آیه است: وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (اعراف: ۸۵) مطابق این آیه و آیات قبل و بعد آن، اصلاح زمین با بعثت انبیاء، ترک ظلم، اقامه ی عدل و عدم کم فروشی به مردم صورت می گیرد و اصلاح، خیر برای جامعه به شمار می رود. (بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۲۷).

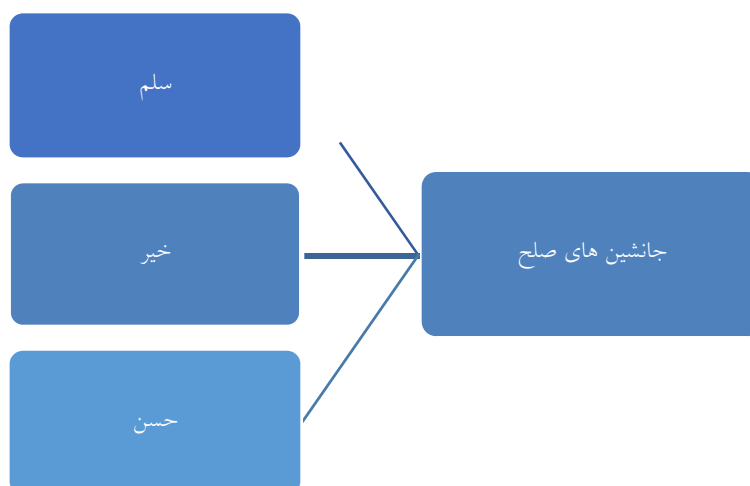
۳.۵ حسن

واژه ی حسن در لغت، به مفهوم زیبایی، نیکویی و مقابل قبح و زشتی است (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۱۳۵) و به تعبیر دیگر هر چیزی که موجب نشاط و سرور برای انسان می شود حسن به شمار می رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۷) حسن احساس خوشی و رضایت و تحسین را در انسان ایجاد می کند و با غرض و هدف مورد نظر او موافق و سازگار است. در بیان رابطه ی معنایی حسن و صلح، می توان با نظر به کاربرد های معنایی این دو واژه، به این نتیجه دست یافت که این دو واژه دارای هم پوشانی معنایی هستند و در سیاقی شبیه به سیاق هم قرار گرفته اند آیه زیر این ادعا را ثابت می کند.

بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
(بقره: ۱۱۲)

درباره محسن گفته اند اسم فاعل از ح س ن است که از آن ثبوت در عمل نیک اثبات می شود (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۱۳۷) و درباره معنی آن نوشته اند: محسن کسی است که به طور خالصانه دین خدا را عمل می کند (تستری، ۱۴۲۳ق، ص ۳۳) و کسی

که خالصانه خدا را عبادت می کند در عمل نیز خالصانه رفتار می کند چه درباره ی اعمال دنیایش و چه در اعمالی که برای آخرت خود توشه می فرستد. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۹۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۱۹) هم چنین در آیه ۱۲۰ سوره توبه، سیاق عبارت، این جانشینی معنایی را این چنین بیان می کند. -..... إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. یعنی عمل صالح، همان کردار شایسته است که انسان را در ردیف محسنین یعنی جهادگران با احسان و مخلص قرار می دهد همان ها که خداوند اجازه نمی دهد اجرشان ضایع شود. (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۴، ص ۳۴۴) و محسن کسی است که خالصانه به عمل صالح روی می آورد و عمل صالح کرداری است که سبب دستیابی به درجات عالی معنوی می شود (نخجوانی، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۳۲۲) بنابراین جهاد دراه خدا و کار خالصانه هر دو در دامنه ی عمل صالح قرار می گیرند و و مفهوم مصلح با واژه ی محسن هم پوشانی معنایی دارد و می توان رابطه ی جانشینی را برای آن دو بیان نمود.



نمودار ۹. جانشین های صلح در قرآن کریم

جدول ۲. جدول هم نشین ها و جانشین های صلح در قرآن کریم با شواهد آیات

ردیف	هم نشین	نوع هم نشینی	تعداد هم نشینی	مهم ترین آیات شواهد	جانشین	تعداد	آیات شواهد
۱	ایمان	اشتدادی	۷۷ بار	بقره: ۲۵. طه: ۷۵	سلم	۵ بار	بقره: ۲۰۸، انفال: ۶۱، نساء: ۹۰-۹۱ محمد: ۳۵.

معناشناسی واژه «صلح» در قرآن کریم ... (فاطمه گنجی و دیگران) ۱۳۳

۲	عمل	اشتدادی	۸۸ بار	یونس: ۹، کهف: ۱۱۰، نحل: ۹۷	خیر	۴ بار	بقره: ۲۲۰، نساء: ۱۲۸، اعراف: ۸۵، آل عمران: ۱۱۴
۳	تقوا	اشتدادی	۹ بار	بقره: ۲۲۴، نساء: ۱۲۹، مائده: ۹۳	حسن	۷ بار	بقره: ۱۱۲، توبه: ۱۲۰، کهف: ۲، ۳۰، ۸۸ فرقان: ۷۰، نحل: ۱۲۲
۴	توبه	اشتدادی	۱۷ بار	بقره: ۱۶۰، نساء: ۱۴۶، مائده: ۳۹، هود: ۶۱	---	---	-----
۵	جنت	اشتدادی	۲۵ بار	بقره: ۸۲، نساء: ۱۲۲، غافر: ۸، ابراهیم: ۲۳	---	---	-----
۶	فساد	تقابلی	۹ بار	بقره: ۱۱، اعراف: ۱۴۲، نمل: ۴۸، ص: ۲۸	---	---	-----

۶. نتیجه گیری

این پژوهش به دنبال ارائه تحلیل معناشناسانه واژه صلح در قرآن کریم بر اساس رابطه هم‌نشینی و جانیشینی بود و به این نتیجه رسید که صلح در قرآن کریم از واژه معهود عرفی آن بسیار فراتر است و کلمه صلح و مشتقات آن در قرآن کریم، با واژه های ایمان، عمل، تقوا، توبه و جنت هم نشینی اشتدادی و با واژه فساد هم نشینی تقابلی دارد صلح با دو واژه ی ایمان و عمل، سه ضلع یک مثلث معنایی را تشکیل می دهند که نبود هر کدام از این واژگان در کنار هم، دستیابی به مقصود و نتیجه نهایی را مختل می کند. بنابراین صلح واژه ای است که با دو کلمه پر بسامد ایمان و عمل در قرآن همراه و همنشین است و یک مفهوم محوری و اساسی قرآن کریم به شمار می رود که در تقابل با فساد قرار دارد بر همین اساس به سختی می توان واژه جایگزین و جانشین کاملی برای آن پیدا کرد اما به صورت نسبی واژگان سلم، خیر و حسن با آن رابطه جانیشینی دارند سلم و سلم ناظر به جانیشینی صلح در موضوعات اجتماعی هستند و واژگان خیر و حسن خصوصا در نتیجه عمل اصلاحی هم پوشانی معنایی با واژه ی صلح را داشته و امکان جانشین شدن با آن را دارا هستند لذا خیر در آیات همان صلح

معرفی شده است و اصلاح بین مردم، همان خیر است. چرا که هر کجا صلح و اصلاح باشد، در واقع خیر و منفعتی برای جامعه به شمار می رود و واژه حسن و مشتقات آن نیز افاده معنایی صلح را در قرآن دارد بر همین اساس محسن کسی است که به طورخالصانه به دستورات دین عمل می کند و در این راه ثبوت قدم دارد و عمل او نشأت گرفته از باور قلبی اوست.

کتابنامه

قرآن کریم

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدجعفر یاحقی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الكتاب العربی.

ابن منظور، محمد مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ش)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

افتخاری، اصغر، محمدی سیرت حسین، (۱۳۹۲ش)، «صلح» و «سلم» در قرآن کریم، مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۶، شماره ۲.

الراضی، حسین، (۱۴۰۹ق)، سبیل النجاة فی تتمه المراجعات، بیروت.

ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۹۴ش)، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، تهران: فرزانه روز.

بغدادی، علاء الدین علی بن محمد (۱۴۱۵ق)، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دار الکتب العلمیة. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، عبدالرزاق المهدی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

پالمر، فرانک رابرت، (۱۳۹۱ ش)، نگاهی تازه به معنی شناسی، ترجمه کورش صفوی، تهران: نشر مرکز، چاپ ششم.

تستری، ابومحمد سهل بن عبدالله (۱۴۲۳ ق)، تفسیر تستری، بیروت: دارالکتب العلمیة.

معناشناسی واژه «صلح» در قرآن کریم ... (فاطمه گنجی و دیگران) ۱۳۵

ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

ثعلبی، نیشابوری ابو اسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

حسینی، فریبا؛ بهشتی، سعید؛ احقر، قدسی، (۱۳۹۷ ش) بررسی مفهوم صلح و راهکارهای تحقق آن بر مبنای آموزه‌های تربیتی قرآن کریم، فصلنامه مطالعات قرآنی.

دهخدا، علی اکبر (بی تا)، لغت نامه دهخدا، تهران: نشر دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، تحقیق، داودی، صفوان عدنان، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۲۱، دمشق، بیروت، دار العلم دار الشامیه، چاپ اول.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات فی غریب القرآن، دمشق: نشر دارالعلم الشامیه.

رکعی، محمد، نصرتی، شعبان، (۱۳۹۶ش)، میدان های معنایی در کاربست قرآنی، تهران: مؤسسه فرهنگی دار الحدیث.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی.

سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد (بی تا)، بحر العلوم، بی جا

سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد (۱۳۸۰ش)، تفسیر سورآبادی، تحقیق علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: نشر فرهنگ نشر نو.

سیوطی، جلال الدین، محلی جلال الدین (۱۴۱۶ق)، تفسیر الجلالین، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.

شریفی، علی، (۱۳۹۴ ش)، معناشناسی قرآن در اندیشه شرق شناسان با تأکید بر ایزوتسو، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

شفیع زاده، مرضیه، بهارزاده، پروین، فتاحی زاده، فتحیه، (۱۳۹۳)، معناشناسی کلمه در قرآن کریم با تأکید بر روابط هم نشینی و جانشینی، فصلنامه پژوهش های قرآن و حدیث.

صفوی، کوروش (۱۳۸۰ش)، در آمدی بر معناشناسی، تهران: نشر سوره.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر ناصر خسرو.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش)، تفسیر جوامع الجامع، مترجمان، تهران: نشر دانشگاه.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ ش)، مجمع البحرین، سید احمد حسینی، تهران: نشر کتابفروشی مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

- طیبه، علیرضا و رضوانی، ملیحه، (۱۳۹۵ ش)، «معناشناسی استهزا با تأکید بر روابط هم نشینی و جانشینی»، فصلنامه پژوهش های ادبی - قرآنی، سال ۴، شماره ۲، ص ۲۷-۵۰.
- عسکری، ابوهلال (۱۳۹۸ ش)، الفروق اللغویه، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، کتاب التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه.
- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۹ ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)، العین، قم: نشر هجرت.
- فیضی دکنی، ابوالفضل (۱۴۱۷ ق)، سواطع الالهام فی تفسیر القرآن، قم: دارالمنار.
- قزائتی، محسن، (۱۳۸۸ ش)، تفسیر نور، ایران - تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ اول
- قرشی، سید علیاکبر، (۱۴۱۲ ق)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۷۳ ق)، خلاصه المنهج، تهران: انتشارات اسلامی.
- گلی ملک آبادی، فاطمه، محمد خاقانی و رضا شکرانی (۱۳۹۴)، معناشناسی «بین» در قرآن براساس روابط جانشینی و همنشینی، فصلنامه پژوهش های زبان شناختی قرآن، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ شماره ۲.
- مرسلی، نوش آفرین، حسین مهتدی، سید حیدر فرع شیرازی (۱۳۹۷)، معناشناسی واژه «عذاب» در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم نشینی و جانشینی، فصلنامه پژوهش های ادبی - قرآنی دوره ۶.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴ ق)، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ ش) تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب العلمیه.
- ملا فتح الله کاشانی (۱۳۳۶ ش)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: نشر محمد حسن علمی.
- مهیبار، رضا، فرهنگ أبجدی عربی - فارسی، واژه «سلم».
- نخجوانی، نعمت الله بن محمود (۱۹۹۹ م)، الفواتح الإلهیه و المفاتیح الغیبیه، مصر: دار رکابی للنشر.
- نقیسی، علی اکبر (۱۳۵۵ ش)، فرهنگ نفیسی، تهران: چاپ مروی.
- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶ ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دارالکتب العلمیه.